فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی
سال یازدهم، بهار ۱۳۹۳، شماره ۳۶
صفحات ۹۰ ـ ۷۱

ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
A Quarterly Scientific _ Research Journal
Vol. 11, Spring 2014, No 36

نسبت صدور انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی از منظر امام خمینی(ره)

یوسف فتحی*

چکیده

از نظر امام خمینی، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، یک تحول انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی و مصداقی از بیداری اسلامی در مقابل استبداد و وابستگی بود و امکان یا امتناع وقوع این نوع تحول در جوامع اسلامی و جهان مستضعفان مسئله تحقیق است. حال سؤال این است که مکانیسم و راهبردهای صدور انقلاب و بیداری اسلامی از منظر امام خمینی کدامند؟ و عوامل امتناع و آفت‌های آن کدامند؟ یافته‌های تحقیق بر اساس مطالعه آثار امام خمینی، نشان می‌دهند که راهبردهای صدور انقلاب اسلامی با انگاره فرهنگی و دولت سرمشق، مهم‌ترین مکانیسم و سه تحول مثبت انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و رسانه‌ای، مهم‌ترین راهبردهای آن هستند و در مقابل عکس این سه تحول مثبت، عوامل امتناع خواهند بود و بر اساس قاعده عوامل محدثه یک پدیده، عوامل مبقیه و تداوم آن هستند، زوال آن، از زوال عوامل مبقیه ناشی می‌گردد. قرینه وقوع صدور انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی منطقه و جهان، حرکت‌های اسلامی در کشورهای اسلامی و حرکت‌های آزادی‌بخش در جهان مستضعفان است.

واژگان کلیدی

امام خمینی، انقلاب اسلامی، صدور انقلاب، بیداری اسلامی، الگو شدن.

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ هنگامی رخ داد که دو رویکرد در جهان حاکم بود. رویکرد لیبرالیستی غرب و رویکرد سوسیالیستی شرق و تمامی تحولات جهان در داخل این دو هژمونی و سلطه فهمیده می‌شد و وقوع یک تحول اجتماعی و سیاسی در خارج از آن دو، غیر قابل تصور و غیر قابل فهم بود.

---

*. عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان. fathi@znu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۷

به همین دلیل وقوع انقلاب اسلامی ایران برای تحلیل‌گران حوادث اجتماعی غیر قابل پیش‌بینی شد. در این فضای سنگین بین‌المللی، وقوع انقلاب اسلامی باعث بهت‌زدگی و سردرگمی بلوک شرق و غرب گردید ولی علی‌رغم میل آنها مولود جدید با یک ماهیت جدید و متعارض با رویکردهای حاکم بر دنیا، پا به عرصه وجود نهاد. نشو و نمای انقلاب اسلامی در ایران و تأسیس نظام سیاسی جدید بر اساس بنیان مذهب و خدامحوری و آغاز حرکت‌های اجتماعی در کشورهای مانند عراق، کویت، بحرین و ... از آغازی جدید و باز شدن راه سومی در جهان دو قطبی حکایت می‌کرد. این راه سوم، همان بیداری اسلامی با بهره‌گیری از رویکرد انقلاب اسلامی بود. تصور وجود راه سوم در مقابل غرب و شرق، با وقوع انقلاب اسلامی، امکان‌پذیر گشت. (امیدوار، ۱۳۷۹: ۲۰۹)

بیداری جوامع اسلامی و فراتر از آنها جهان مستضعفان یک آرزوی دیرینه برای امام خمینی بود. در حال حاضر، موج بیداری اسلامی پایه‌های حکومت‌های موروثی و استبدادی و دست اندازی‌های قدرت‌های بیگانه را یکجا هدف قرار داده و فریاد آزادی‌خواهی سراسر منطقه و نقاط مختلف جهان مستضعفان را فرا گرفته است. مسئله تحقیق حاضر نیز نسبت انقلاب اسلامی و این موج بیداری است. سؤال این است که مکانیسم این بیداری از منظر امام خمینی چیست و راهبردهای تحقق آن کدامند و آسیب‌های آن چیستند؟

فرض مقاله این است که صدور انقلاب اسلامی، یعنی صدور معنویت اسلام در چارچوب توحید و شریعت اسلامی، عنصر اساسی در بیداری جوامع اسلامی و جهان مستضعفان است به شرطی که این تعامل و ارتباط بر اساس شیوه‌های مناسب صورت پذیرد. این مقاله، سه نوع تحول انسان‌شناختی (خداگرایی، تربیت و خودباوری و خودیافتگی)، جامعه‌شناختی (الگو شدن جمهوری اسلامی در عرصه نظری و عملی) و رسانه‌ای (تبلیغ صحیح اسلام و دیپلماسی فعال) در انتقال تفکر انقلاب اسلامی برای سایر ملل را راهبرد اساسی صدور انقلاب اسلامی معرفی می‌کند. هرگونه خللی در این راهبردها، آسیب جدی در عرصه صدور انقلاب و بیداری اسلامی را پیش می‌آورد. روش تحقیق مقاله، اسنادی و کتابخانه‌ای است و میدان مطالعه تحقیق، آثار امام به خصوص صحیفه ۲۲ جلدی (پیام‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها و سخنرانی‌های امام از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۶۸) می‌باشد.

مفهوم صدور انقلاب

صدور انقلاب، بخشی از رسالت برون‌مرزی همه انقلاب‌هاست. (محمدی، ۱۳۸۶: ۶۰) شعاع صدور هر انقلابی، به شعاع آرمان‌ها، اهداف، زمینه‌ها، دیدگاه شمول‌گرایانه ایده‌های آن و قدرت انقلابیان بستگی دارد. سردرگمی استکبار، راز پیروزی انقلاب اسلامی است. استکبار تلاش می‌کند تا بتواند موانع نفوذ انقلاب اسلامی را در سراسر آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین، شبه قاره هند، آسیای مرکزی، چین و آمریکا فراهم کند، (ایزدی، ۱۳۶۱: ۲۱۷) ولی ماهیت صدور انقلاب اسلامی پیش‌بینی ناپذیر است.

به لحاظ فلسفی، فعل ولیده قدرت فاعلان آن است، پس نشانه قدرت، صدور فعل از روی علم، اراده و اختیار است. (امام خمینی، ۱۳۸۱ج: ۱ / ۱۵۳) از این روی، انقلاب به عنوان یک فعل اختیاری اجتماعی از قدرت فاعلان

آن صادر می‌شود؛ چون صدور فعل از قدرت یک امر طبیعی است. صدور، عبارت از ظهور فعل است. (همان: ۲ / ۱۸۷) البته هر چه انقلاب اسلامی و نظام بر آمده از آن بتواند مبدل به یک الگو و نمونه باشد و آوردگاه نیازهای فطری و اجتماعی انسان‌ها باشد، جاذبه آن به حداکثر خواهد رسید؛ چون «صدور کمال از کمال» (همان: ۲۱۷) سر می‌زند و از نقص چیزی عاید نمی‌گردد. بعد از آنکه حقیقت قدرت، امکان صدور شد، صدور انقلاب به کشورها و ملت‌های دیگر از باب «لایصدر من الواحد الا الواحد» نخواهد بود، بلکه از قبیل نفس است که حالات متعدد می‌تواند داشته باشد. از این روی ممکن است انقلاب اسلامی در جاهای دیگر اشکال و گونه‌های متفاوتی داشته باشد. همان‌گونه که نظام‌های بر آمده از انقلاب‌ها، متفاوت خواهند بود. بنابراین، انتشار فکر، زمینه‌ها، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی به کشورهای اسلامی و جهان مستضعفان، صدور انقلاب محسوب می‌گردد.

وقوع این حادثه نشان دهنده دو ویژگی است: یکم، قدرت انقلاب اسلامی و دوم، جذابیت و مرجعیت آن. همه انقلاب‌ها، حاوی ایده‌های جدید هستند و قصد دارند به سایر کشورها صادر شوند. دو امر در ذات انقلاب اسلامی نهفته است: بازگشت به هویت اصیل ناسیونالیسم مذهبی و تمدن اسلامی و رویارویی با تمدن غربی و ناسیونالیسم لیبرال. (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۴۳) صدور انقلاب بازخوانی این دو امر با توجه به دو ویژگی مذکور در منطقه و جهان است. امام، پیروزی یا شکست جمهوری اسلامی ایران را پیروزی یا شکست همه مسلمانان و ناکامی و شکست و تحقیر همه مؤمنان و خیانت به ایشان را، خیانت به آرمان بشریت و رسول خدا می‌شمارد. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۰ / ۳۳۱) از مهم‌ترین اهداف صدور انقلاب از دیدگاه امام می‌توان به دعوت به خودسازی، توحید، اسلام، احیای هویت انسانی و اسلامی، تحقق بخشیدن به عدالت، همگرایی و مبارزه با ظلم و نظام سرمایه‌داری بر شمرد. (جمشیدی، ۱۳۸۸، ۴۲۰ ـ ۴۰۶)

سه رهیافت از صدور انقلاب

۱. رهیافت ملی‌گرایان

این رهیافت مخالف تفکر صدور انقلاب است و معتقد بود انقلاب در قلمرو مرزهای جغرافیای سیاسی کشور مورد پذیرش است و بحث صدور انقلاب باعث ایجاد تنش و حساسیت بین‌المللی می‌شود و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش مغایر با اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورهاست. لذا با صراحت اعلام می‌کردند که ما قصد صدور انقلاب را نداریم. (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵۱)

این دیدگاه مخالف آشکار اندیشه امام و پیروان او بود. این رهیافت را می‌توان واقع‌گرایی نامید که صدور انقلاب را به الگوبرداری از جامعه نمونه انقلابی تعبیر می‌کرد. (محمدی، ۱۳۸۶: ۶۳) این دیدگاه، گفتمان صدور انقلاب را یک نوع تحریف انقلاب ایران از حقیقت ضداستبدادی و استقلال‌طلبانه به چهره ضدامپریالیستی و آزادی‌بخش جهانی می‌دانست. (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۱۴) به نظر می‌رسد واهمه ملی‌گرایان از تفکر صدور انقلاب این است که این مسئله فضای مبارزاتی جدید و مداومی را بازتولید کند و ایران را دائماً

درگیر خود می‌کند. فضای مبارزه از مردم ایران علیه شاه به مبارزه مستضعفان علیه مستکبران، اسلام علیه الحاد، ایمان علیه کفر منتقل می‌گردد. اینها تصور می‌کردند، صدور انقلاب فاز جدیدی است که از سوی امام و طرفدارانش باز می‌شود، در حالی که مرکز گفتمان انقلابی امام، خداگرایی همه انسان‌ها بود.

۲. رهیافت آرمان‌گرایان

رادیکالیست‌های انقلابی مانند مرحوم شهید محمد منتظری، معتقد بودند انقلاب اسلامی بنا به ماهیت ایدئولوژیکی آن (خاتمیت و جهان‌شمولی دین) ضرورتاً باید به سایر کشورها منتشر گردد، حتی با دخالت نظامی. وی جهاد دفاعی را مربوط به عموم حیوانات و جهاد ارزشمند را جهاد ابتدایی می‌دانست و صدور انقلاب از طریق آگاهی‌بخشی را یک نوع تاکتیک انحرافی بر می‌شمرد و معتقد بود سیره مسلمانان صدر اسلام باید سرلوحه مسلمانان امروز باشد که تفکیکی بین مسلمانان شهرها و مناطق اسلامی نبود و همه آنها جهاد را واجب می‌دانستند و در آن مشارکت می‌کردند. پیامبرﷺ سران کشورها را دعوت به اسلام کرد، اگر می‌پذیرفتند، مسئله با مسالمت حل می‌شد و اگر نمی‌پذیرفتند، مسلمانان اقدام به جهاد می‌کردند، لذا این شیوه باید احیا گردد. (ایزدی، ۱۳۶۱، ۱۹۲ ـ ۱۹۰)

شهید محمد منتظری صدور انقلاب را به دو صورت جهاد ابتدایی یا کمک مادی و تسلیحاتی به نهضت‌های آزادی‌بخش دنیا چه مسلمان و چه غیر مسلمان که در جبهه مستضعفان علیه مستکبران مبارزه می‌کنند، امکان پذیر می‌دانست. (همان: ۱۹۴ ـ ۱۹۳) بر اساس این رهیافت، صدور انقلاب به صورت آشکار و رسمی انجام می‌پذیرد و بحث صدور انقلاب از طریق تبلیغ بدون اقدام عملی تحریف و دوری‌جویی از مسئولیت و فرار از وظیفه اسلامی است. از دیدگاه این گروه، اسلام مرز نمی‌شناسد و تهاجم دائمی و بی‌امان به ارزش‌های مسلط و تلاش در جهت نابود کردن رژیم‌های پیرامونی، هدف اصلی اسلام است. (محمدی، ۱۳۸۶: ۶۴) در واقع رویکرد قهرآمیز و نظامی وجهه نظر این گروه بود.

۳. رهیافت آرمان‌گرا ـ واقع گرا

این رهیافت از یک سو، الگو شدن جامعه انقلابی ایران را برای سایر ملل و از سوی دیگر، تبلیغ اسلام ناب، قرآن و انقلاب را در میان سایر ملل یک ضرورت مطرح می‌کند و رویکرد دخالت نظامی و الگوهای قهرآمیز صدور انقلاب را نفی می‌کند. دیدگاه امام خمینی با این رهیافت قابل بررسی است. این نوشتار، دیدگاه سوم را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ چراکه ترویج آرمان‌های انقلاب اسلامی و نمونه شدن جمهوری اسلامی هر دو مهم هستند.

به تعبیر مارگارت تاچر نخست وزیر اسبق انگلستان «غربی‌ها از شوروی واهمه ندارند، چون در مقابل سلاح‌های نظامی ویرانگر شوروی ما نیز به سلاح‌های مدرن مجهزیم، اما از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران نگرانیم». (خرمشاد، ۱۳۸۱: ۷۲) در سال ۱۳۵۹، هنری کسینجر، استراتژیست سیاست خارجی آمریکا در

تحلیل حوادث خاورمیانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بزرگترین خطر منطقه خاورمیانه، منافع غرب و آمریکا را رادیکالیزم شیعه، بنیادگرایی اسلامی و انقلاب اسلامی ایران مطرح می‌کند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۰۷) اگر در سال ۱۳۵۹ تصور این بود که انقلاب اسلامی منافع غرب را در منطقه خاورمیانه در معرض تهدید قرار می‌دهد و در کشورهای اسلامی نفوذ می‌یابد، امروز نفوذ انقلاب اسلامی فراتر از کشورهای اسلامی، جهان مستضعفان را در برابر جهان مستکبران بسیج می‌کند. نگرانی تاچر و کسینجر با صراحت بیشتری در کلام امام مبرهن است:

> مسئله اصلی برای جهان‌خواران شرق و غرب، اسلام است که می‌تواند مسلمانان جهان را تحت پرچم پر افتخار توحید مجتمع و دست جنایتکاران را از کشورهای اسلامی و از سلطه بر مستضعفان جهان کوتاه و مکتب ارزشمند و مترقی الهی را بر جهان عرضه نماید (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۵ / ۱۷۱)

امام خمینی به واقع‌گرایی و الگو شدن تأکید می‌کند و می‌فرماید:

> بارها تذکر دادیم که باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکا به آمریکا و شوروی و انگلستان ... استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی خویش را به دست گیرد و روی پای خود بایستد و هویت اصیل خویش را به جهان عرضه کنند. (همان: ۹ / ۲۵)

این عبارت، الگو شدن در زمینه‌های مختلف را مقدمه‌ای برای عرضه انقلاب تبیین می‌کند. امام از سوی دیگر به آرمان‌گرایی عنایت ویژه دارد و به آرمان مبارزه با کمونیسم بین‌الملل، جهان‌خواران غرب به سرکردگی آمریکا و صهیونیزم و اسرائیل پا فشاری می‌کند (همان: ۱۲ / ۲۰۲) و روز مبارک را روز شکسته شدن سلطه جهان‌خواران بر ملل مظلوم و مستضعف و حاکمیت تمام ملت‌ها بر سرنوشت خود می‌داند. (همان: ۱۴ / ۲۲۶) لکن آرمان‌گرایی امام مبتنی بر منطق است نه بر پایه اسلحه. امام به تحول در جامعه و افراد به صورت توأمان تأکید می‌کند ولی تحول در روحیه انسان‌ها را منشأ همه تحولات می‌داند:

> تحول در نظام و تحول در افراد که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند، به مجرد اینکه تحول در نظام هم باشد و تحول در افراد نباشد، فایده ندارد. برای اینکه وقتی تحول در افراد نباشد، اگر حالا هم یک کسی یک تحولی در نظام درست کند، فردا همین افرادند که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند؛ همین افراد نظام را مُعْوَج می‌کنند؛ برخلاف می‌کنند. اهمیت تحول روحی افراد تحول در افراد، در روحیه افراد، میزان است. (همان: ۹ / ۱۷)

از دیدگاه امام، نظام سیاسی، اقتصادی، آموزشی، قضایی، عملکرد نظام، ارزش‌ها و روحیه مردم باید توأمان تغییر کند. (اورعی، ۱۳۶۹: ۱۰۳) ایشان با عبارات متعدد، تحول انسان‌شناختی را از تحول جامعه‌شناختی و سیاسی و تغییر رژیم بالاتر می‌شمارد. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۶ / ۲۲۹) بر اساس مبنای امام، رویکرد قهرآمیز و نظامی نه از باب ترس یا از باب عدم دخالت در امور دیگران و یا هر بهانه دیگری مورد توجه نیست، بلکه یا اصلاً فایده و نتیجه‌ای ندارد و یا بهره آنی دارد که کان لم یکن محسوب می‌شود.

مفهوم بیداری اسلامی

انقلاب اصیل اسلامی موجب بیداری و انقلاب سایر مسلمانان دربند و تحت سلطه جهان‌خواران شرق و غرب خواهد گردید. (همان: ۱۹ / ۴۹۱) بیداری اسلامی، جریان بازگشت به اسلام ناب محمدی ﷺ برای احیای تمدن اسلامی، شکل‌گیری حاکمیت سیاسی اسلام، عقلانیت، اخلاق، معنویت، قسط و عدالت است. مناسب دیدم با اقتباس از تعریف کانت از روشنگری، بیداری اسلامی را تعریف کنم. وی در مقاله‌ای با عنوان پاسخی به پرسش روشنگری چیست؟ می‌نویسد:

> روشنگری بیرون شدن انسان از کمینه‌گی minority است که خود بر خویش تحمیل کرده است. این کمینه‌گی ناتوانی شخص در به کار بردن فهم شخصی خود بدون راهنمایی دیگری است .... بدین سان شعار روشنگری این است که: «جسارت بورز و بدان! شجاع باش و از فهم خود بهره گیر». تنبلی و ترس، دلائلی هستند بر این اینکه چرا عده زیادی از مردمان با آنکه طبیعت آنان را از زیر قیمومت به در آورده، همچنان ناخواسته، تا زمانی که زنده‌اند، کمینه باقی می‌مانند و در نتیجه دیگران را وا می‌دارند تا به آسانی خود را در مقام قیم بر صدر بنشانند. کمینه ماندن بسیار ملایم طبع است ... . تا آن زمان که قادر به پرداختن پول باشم، محتاج به فکر کردن نیستم. دیگران نیازهای مرا بر می‌آورند. (گلدمن، ۱۳۷۵: ۳۲ ـ ۳۱)

با توجه به متن فوق، بیداری اسلامی رهایی انسان مسلمان از کمینه‌گی است که خود بر خویش تحمیل کرده است. کمینه‌گی فقدان فهم، شجاعت و تلاش است و شعار بیداری اسلامی «می‌شود» و «می‌توان» است. انسان مسلمان در اثر کمینه‌گی احساس می‌کند نمی‌تواند بدون قیمومت و دخالت بیگانه سرنوشت خود را تعیین کند، در نتیجه دیگران چه حاکمان دست نشانده و چه بیگانگان احساس اربابی می‌کنند. یکی از دلائل اصلی این کمینه‌گی تاریخی وجود ثروت سرشار و منابع طبیعی در کشورهای اسلامی است که آنها را به تنبلی و ناتوانی کشانده است. امام خمینی نشانه بیداری مسلمانان را رفع مشکلات داخلی، قطع وابستگی به ابرقدرت‌ها و مستقل شدن و خودباوری (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳ / ۲۸۱) می‌داند و صدور انقلاب را انتقال تجربه بیداری ملت ایران به کشورهای دیگر تلقی می‌کند:

> ما می‌خواهیم ... این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند ... این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود ... معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها ... و همه دولت‌ها بیدار بشوند. (همان)

امام بیداری واقعی، یعنی خروج از قید استبداد و وابستگی را در بازگشت به اسلام ناب ارزیابی می‌کند و می‌فرماید: «تا به اسلام رسول‌الله برنگردیم، مشکلاتمان سر جای خودش هست». (همان: ۱۳ / ۸۹) این بازگشت یا به همراهی حکومت‌ها با ملت‌ها صورت می‌گیرد که بهترین حالت است و اگر دولت‌ها برنگشتند، ملت‌ها باید حساب خود را از حکومت‌ها جدا کنند. (همان)

سطوح بیداری اسلامی

امام مرکز بیداری اسلامی را از میان شیعیان و مکان آن را ایران، ولی ماهیت آن را یک قضیه اسلامی، می‌داند. «قیام ایران یک بیداری در جاهای دیگر، در ملت عرب» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴ / ۱۲۶) ایجاد کرده است. امام، تحول انسان‌شناختی و مذهبی در سایر ملت‌ها را ملاک وقوع انقلاب اسلامی و سقوط نظام‌های استبدادی می‌داند و نشانه طرز فکر انقلابی و اسلامی را آمادگی ایثار و فداکاری، همراهی و همگرایی ملل اسلامی می‌شمارد. (همان: ۱۳ / ۹۱) علاوه بر جهان اسلام، بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای جهان مستضعفان، با جهان اسلام مشترک است؛ خواسته‌هایی نظیر عدالت‌خواهی، آزادی‌طلبی، استقلال‌جویی و رهایی از سلطه جهان‌خواران و ... که انقلاب می‌تواند در جهان استضعاف و مظلومان نفوذ کند و همگرایی جهانی و بیداری جهانی را باعث گردد. «اینها می‌ترسند مبادا این مطلب ایران در جای دیگر برود». (همان: ۱۴ / ۵۰۰) از نظر امام، پیروزی نهایی، پیروزی بلاد مستضعفین بر مستکبرین است. (همان: ۱۰ / ۱۸۱) ایشان در جای دیگر تصریح می‌کند، ابرقدرت‌ها را «خطر عظیم صدور انقلاب و پرتو حق در جهان اسلام بلکه در جهان مستضعفان» (همان: ۱۵ / ۲۳۸) به وحشت انداخته است.

نمایندگان سرخ پوستان آمریکایی در دیدار با امام اظهار داشتند «پیروزی شما و رهبری شما و قیادت و عمق درک و بینش شما الهام‌بخش ماست و ما با آن در آمریکا پیروز خواهیم شد». (ایزدی، ۱۳۶۱: ۲۱۵) این سخنان نشانه‌ای از صدور انقلاب و بیداری اسلامی به جهان مستضعفان است. به هر صورت، علی‌رغم خواست نظام سلطه، بیداری اسلامی در شامات، شاخ آفریقا، شبه قاره هند، کشورهای خلیج، آسیای میانه و مرکزی و خاورمیانه و دور مبدل به یک واقعیت شده است. راهبردهای صدور انقلاب که مقدمه‌ای برای بیداری اسلامی است، شاید متعدد باشد که در این مقاله به سه تحول به عنوان راهبرد اساسی اشاره می‌شود.

راهبردها

۱. تحول انسان شناختی

بدون شک جوامع، تعالی و انحطاط و زوال دارند. امکان تعالی و امتناع آن به فلسفه تاریخ که درباره محرک تاریخ بحث می‌کند، باز می‌گردد. فلسفه تاریخ امام بر اساس انسان‌شناسی او قابل تحلیل است. ایشان دو نوع فلسفه تاریخ را مطرح می‌کند: ۱. فلسفه تاریخی که محرک آن قیام لله و عامل حرکت جوامع برای احقاق حقوق از دست رفته و تعالی می‌باشد و با استشهاد به آیه کریمه «قُلْ انَّما اعِظُکم بِواحِدَه أنْ تَقُومُوا لِلّهِ مَثني وَ فُرادي» (سبأ / ۴۶) سیر تاریخ را از سرمنزل تاریک طبیعت به سوی انسانیت می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱ / ۲۱) ۲. فلسفه تاریخی که محرک آن خودخواهی و ترک قیام برای خدا و نتیجه آن، سیه روزی داخلی، سلطه جهانیان بر کشورهای اسلامی، زوال روح وحدت و برادری، حاکمیت مستبدان و دیکتاتورها، ملعبه شدن مراکز علمی، دانشمندان، قانون‌گریزی و زیر پا گذاشته شدن منافع و مصالح اجتماعی است. (همان: ۲۲)

در حقیقت، انانیت حجاب بیداری و ظلمت در عرصه زندگی اخلاقی و اجتماعی انسان است. (علم‌الهدی، ۱۳۸۱: ۱۲) عنصر بیدارگری، تربیت انسان‌ها و تحول روحی آنها است. تربیت می‌تواند انسان‌های مستقل و خودباور یا انسان‌های کمینه و تحقیر شده به وجود آورد. از این روی، مراکز علمی و تربیت، می‌توانند استراتژی صدور انقلاب را بر اساس تاکتیک‌های متناسب زمان، مکان و شرایط ترسیم و تصویر کنند.

خودیافتگی در برابر از خود بیگانه شدن، بازگشت به هویت اصیل ایمانی، اخلاقی و رفتاری است. خودباختگی با یک تعریف مسامحی، پیرایش همه خوبی‌ها از خود و انتساب آنها به دیگران است. (کوزر، ۱۳۶۹: ۱۱۵) اساس خودباوری از آگاهی و تنبه از غفلت و بیداری از خواب گران تاریخی و مذهبی است. غفلت به عنوان منشأ بیگانگی از خود، در دو سطح ملک و ملکوت صورت می‌گیرد که منظور مقاله، غفلت ملکوتی و غبارآلودگی فکر است. «چه بسا چشم ظاهر بیدار و جنبه ملک هوشیار است، و چشم باطن و بصیرت در خواب گران و جنبه ملکوت نفس در غفلت و بیهوشی است». (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۸۹) خودباوری و خودیافتگی باعث توانایی و قدرتمندی می‌گردد. فرد به استعدادها و امکانات و مقدورات خود پی می‌برد و احساس ضعف‌های کاذب را از خود دور می‌کند. امام، احساس زبونی جهان شرق و اسلام در برابر غرب را مصداق از خودباختگی شمرده و معتقد است تا شرقی در مقابل غربی احساس هویت نکند، حل مسائل جهان شرق امکان ناپذیر است.

> تا شرقی‌ها آن حیثیتی که خودشان داشتند ـ و یک وقتی قبله همه جا بودند. آن وقتی که آنها وحشی بودند، اینها قبله بودند برای آنها ـ تا اینها آن محتوای خودشان را پیدا نکنند و نشوند یک موجود شرقی و خودشان را نشناسند نمی‌توانند مستقل باشند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۹ / ۳۷۹)

این تحول روان‌شناختی و انسانی دو جهت دارد: جهت مثبت و جهت منفی. جهت مثبت اینکه شرقی دارای اصالت، تفکر و اندیشه و استعداد است و جهت منفی اینکه دیگران بر او برتری واقعی ندارند و اگر هم داشته باشند «مهم این است که ما بفهمیم که دیگران به ما چیزی نمی‌دهند، ما خودمان باید تهیه کنیم». (همان: ۱۴ / ۱۱۶) احساس توانایی به توانایی واقعی منجر می‌شود. توانایی دو نتیجه مهم دارد: ایستادگی و حرکت رو به جلو و سازماندهی اجتماعی در جهت رفع موانع. نتیجه این دو، استقلال و رهایی از استبداد داخلی و استعمار است.

> اول باید باورتان بیاید که ما هم انسانیم، ما هم قدرت تفکر داریم ... . این قدرت در همه افراد بشر بقوه هست. اگر این باور برای شما پیدا شد [موفق خواهید بود]». (همان: ۳۰۷)
> باور به قدرت و استعداد، سبب قدرمندی و پایداری واقعی می‌گردد. همیشه توصیف، توصیه بوجود می‌آورد. خودباوری، قدرت و توان تولید می‌کند، یک توصیف است. پایداری، توصیه قدرت است.
> پیروزی انقلاب اسلامی، حاصل باور مردم به توانایی خود و ناتوانی دیگران است. (همان: ۳۰۸)
> این بیداری، نشانه رشد سیاسی است. (همان: ۳ / ۱۱۴)

۲. تحول جامعه‌شناختی

نکته کلیدی که امام روی آن انگشت می‌گذارد، حفظ «حیثیت و وجاهت خود» (همان: ۱۵ / ۳۲۲) است.

بدیهی است این عبارت شامل حیثیت کارگزارن، نظام جمهوری اسلامی و اسلام در عرصه داخلی و خارجی است. صدور انقلاب از یک سو به نظام، شعارها، آرمان‌ها و ماهیت آموزه‌های اسلامی و از طرف دیگر به کارآیی نظام جمهوری اسلامی باز می‌گردد. عملکرد جمهوری اسلامی در زمینه آموزش، پرورش و جامعه‌پذیری سیاسی، بخش اقتصادی و تأمین رفاه و آسایش مردم، سیاست انسانی و اسلامی در برابر کشورها و ملت‌های محروم و مظلوم و حق‌مداری جمهوری اسلامی در داخل و خارج، عامل مهمی در انتقال ایده‌های انقلاب اسلامی به سایر کشورها خواهد بود. بنابراین، براساس دیدگاه آرمان‌گرا ـ واقع‌گرا، الگو شدن جمهوری اسلامی به عنوان یک تحول جامعه شناختی در عرصه مشروعیت و مقبولیت از دو جنبه قابل طرح است:

یک. الگوی نظری

عبارت «جمهوری اسلامی یا مردم‌سالاری دینی»، هنوز در نظر عده‌ای پارادوکسیکال می‌آید و نیازمند تبیین و آشکارسازی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های عینی آن است. هنوز عده‌ای درون جمهوری اسلامی یا بیرون از آن، حتی کسانی که دل به جمهوری اسلامی بسته‌اند، دل‌مشغولی اساسی دارند. البته بخش عمده این ذهنیت حاصل «قلم‌های مسموم خارج، قلم‌ها و نوشته‌ها و مطبوعات خارجی، رسانه‌های گروه خارجی» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳ / ۹۵) هستند و بخشی به فقدان مباحث تئوریک و نظام‌مند و تحلیل منطقی نظریه جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی باز می‌گردد. ارائه الگوی مردمی اسلامی نظام در صدور انقلاب، یک ضرورت است. به نظر می‌رسد در تبیین نظری جمهوری اسلامی توجه به تبیین اسلامیت، جمهوریت، نقش و جایگاه مردم، نقش و جایگاه ولایت فقیه، اختیارات و آزادی‌های مدنی و مشروع مردم، از اهمیت اساسی برخوردار باشند. مواد اولیه تبیین شرایط ساختاری و کارگزاری جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی در آثار امام و رهبری وجود دارد که ضرورت دارد نویسندگان و صاحب قلمان به تبیین تئوریک و نظام‌مند آن مبادرت ورزند. تبیین تئوریک جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی به عنوان یک الگوی نظری حکومت‌داری در برابر دو رویکرد سوسیالیسم و لیبرالیسم در عرصه داخلی و بین‌المللی در صدور تفکر انقلاب اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است.

دو. الگوی عملی

تحقق خواسته‌ها و آرمان‌های انقلاب، صدور انقلاب را از منظر دعوت عملی به نمایش می‌گذارد. توجه عملی به اخلاق، آداب و اعمال اسلامی، (همان: ۴۸۶) اصلاح، خودسازی و دوری از نفسانیت، باعث جذب مردم به اسلام و انقلاب و در نتیجه صدور آن می‌گردد.

> اگر هواهای نفسانی اسباب این بشود که گله‌ها به شکایت‌ها، شکایت‌ها به مخالفت‌ها برسد، آن روزی است که عزای همه کشور را باید بگیریم و گناهش گردن ماست که نفسانیت خودمان را زیر پا نگذاشتیم». (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۷ / ۵۳۴)

امام، عملکرد مسئولان را در رابطه مستقیم با حفظ یا زوال حیثیت اسلام و انقلاب می‌داند و می‌فرماید: «هر کس در هر کاری که دارد ... . باید خودشان را متوجه این معنا بکنند که سر و کارشان با حیثیت اسلام

است». (همان: ۱۰ / ۱۸۰) اسلام و نجات‌بخشی آن یک ادعا و میدان آزمون آن، جمهوری اسلامی و آزمایشگران آن، مسئولان هستند. تحقق جمهوری اسلامی با محتوای اسلامی (همان) و تحقق اسلام به معنای واقعی کلمه در ایران، باعث روی آوری کشورها یکی بعد از دیگری به همین رویه خواهد بود. (همان) اهمیت دعوت عملی، مقدم بر قیل و قال است.

خودکفایی اقتصادی، آبادانی، سازندگی و توسعه همه جانبه و متوازن از عوامل اساسی صدور انقلاب هستند. وابستگی اقتصادی به کشورهای بیگانه، خصوصاً کشورهای خصم در بخش ارزاق و کالاهای اساسی و ضروری باعث شکسته شدن غرور ملی و ناامیدی ملل اسلامی و مستضعفان می‌گردد. از دیدگاه امام، همه زمینه‌های توسعه و خودکفایی به لحاظ طبیعی و انسانی در ایران فراهم است. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۲ / ۷۷) فراموشی هریک از استراتژی صدور و الگوی عملی شدن، به منزله فراموشی دیگری است. (عیوضی، ۱۳۸۶: ۴۱) صدور انقلاب به عمل و اخلاق در عرصه داخلی، به تعبیر قانون اساسی محیط مناسب رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با فساد و تباهی (اصل سوم) و منطقه‌ای و بین‌المللی باز می‌گردد «به عمل کار برآید، نه به سخنرانی». فریاد جمهوری اسلامی بودن کفایت نمی‌کند، بلکه باید عمل اسلامی و متناسب جمهوری اسلامی سر زند:

> وقتی می‌توانند باور کنند از ما که مایی که می‌گوییم جمهوری اسلامی هستیم، عملمان هم آن طور باشد. عمل طاغوتی نباشد و قول، قول اسلامی، عمل اسلامی باشد و خود رفتار، اسلامی باشد. گفتار اسلامی باشد تا صادر بشود این جمهوری اسلامی در سایر کشورها. صدور با سر نیزه، صدور نیست. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳ / ۴۸۸)

نمایش رفتار اسلامی و انسانی از جمهوری اسلامی در خارج، باعث نفوذ و صدور تفکر جمهوری اسلامی و نمایش رفتارهای مخالف با موازین اسلامی و لو از اشخاص نفوذی، اسباب کوبیدن جمهوری اسلامی را با تمام قوا فراهم می‌کند. (همان: ۴۸۹) معرفی اسلام به غیر زبان و دعوت مردم از طریق اعمال و اخلاق نیکو و اسلامی، باعث جذب نفوس سالم ـ اکثر مردم ـ خواهد شد. «پذیرش که کردند کم‌کم عمل می‌کنند. کم‌کم این انقلاب صدور پیدا می‌کند به خارج». (همان: ۴۹۰) نمونه شدن در کشورهای دیگر با برچسب جمهوری اسلامی که در معرض دید افراد هستند، موجب نزدیکی آنها خواهد شد. «در اعمالتان، در رفتارتان، در کردارتان طوری باشید که نمونه باشد برای جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی با شما به جاهای دیگر هم ان شاء الله برود». (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۶ / ۸۱)

رویکرد الگو شدن از ایجاد ذهنیت آشفته و متشنج از صدور انقلاب به عنوان جنگ‌طلبی و جنگ‌افروزی، کشورگشایی، هرج و مرج‌گرایی و اعمال رادیکالیستی جلوگیری می‌کند. (عیوضی، ۱۳۸۶: ۴۴) در واقع، رویکرد صدور انقلاب از طریق الگو شدن بیشتر به تقویت فکری ـ تربیتی، اقتصادی و سیاسی و رضامندی داخلی توجه می‌کند. به اصلاح خود بیشتر از دیگران عنایت دارد و اصلاح بین‌المللی را در درجه دوم از اصلاح داخل تلقی

می‌کند. امام در عرصه الگو شدن عملی به ساختار و کارگزار توأمان توجه می‌کند. الگـو شـدن عملـی جمهـوری اسلامی هم باعث فلاح و پیروزی داخلی و هم سرایت برون‌مرزی خواهد شد. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۰ / ۱۸۱)

۳. تحول ارتباطی

ارتباط نظامند و هوشمندانه وسیله‌ای برای انتقال آرمان‌ها و خروجی تحول انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی بـه عنـوان پیام انقلاب اسلامی به سایر کشورها است. دو گلوگاه اصلی نظام ارتباطی، نظام رسانه‌ای و دیپلماسی فعال است.

یک. نظام رسانه‌ای

آگاهی و آگاهی بخشی یا تبلیغ، تنبه (خود آگاهی) و تنبیه (آگاهی بخشی)، مقدمـه‌ای بـرای تصـحیح امـور و انتخاب راه درست از باطل است. اگر انقلاب اسلامی، ترسیمی از راه خدا باشد، گام اول در رفـتن ایـن مسـیر، آگاهی است. (امام خمینی، ۱۳۸۱ الف: ۱۲۵) از این روی، «تقویـت و توسـعه تبلیغـات، خصوصـاً در خـارج از کشور، از اهم امور است». (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۶ / ۴۴) کوشش در شناساندن اسلام و آموزه‌های دینـی بـه مردم در سطح داخل و خارج به وسـیله کارشناسـان واقعـی، (همـان: ۹ / ۳۷۹) باعـث روی آوری ملـت‌هـا و مستضعفان به اسلام خواهد شد. امام صدور انقلاب را به معنی انتقال آرمان‌ها و تجـارب در نظـر مـی‌گیـرد و می‌فرماید: «ما با کسی جنگی نداریم». (همان: ۱۵ / ۳۲۱) فهماندن اسلام به ملت‌ها، مفهـوم واقعـی صـدور انقلاب است؛ زیرا «وقتی ملت‌ها اسلام را شناختند، قهراً به آن روی می‌آورند». (همان: ۳۲۲) صـدور انقـلاب منوط به بیداری توده‌ها و یکی از عوامل بیداری آنها تبلیغـات رسـمی و غیـر رسـمی (همـان: ۳۰۷) و انتقـال تجارب تحولات انسان شناختی و جامعه شناختی از طریق یک نظام رسانه‌ای صادق و هوشمند است.

صدور انقلاب با تبلیغ بر اساس معنویت اسلام یعنی تحول روحی و کـاهش تشـریفات و ظـواهر، یعنـی تحـول جامعه‌شناختی، امکان پذیر است. «همه‌اش در فکر درست کردن سالن و سـاختمان نباشـید بلکـه در فکـر معنویـات اسلام باشید». (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۸ / ۷۳) تبلیغات رسانه در جهت گرایش بـه انقـلاب و اسـلام و رویگردانـی از آنها مؤثر است؛ زیرا تبلیغات، افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عنوان مثال، پذیرش جدایی دین از سیاسـت در بـین اقشاری از جوامع اسلامی نتیجه تبلیغات سوء علیه اسلام است. (امـام خمینـی، ۱۳۸۱ب: ۱۱ و ۲۰) در حـال حاضـر، افکار عمومی جهان را رسانه‌های جمعی که بزرگترین عناصر تبلیغ هستند، هدایت و کنترل می‌کننـد. هـر رسـانه‌ای مرکب از چند عنصر اساسی از قبیل پیام و ماهیت آن، فرستنده، گیرنده و ابزار اسـت کـه تأثیرگـذاری آن منـوط بـه کمیت و کیفیت آنها است. در بحث صدور انقلاب چند عامل مؤثرند که عبارتند از:

یکم: پیام؛ یعنی اسلام و آرمان‌های انقلاب متناسب با نیازها و مسـائل واقعـی (امـام خمینـی، ۱۳۷۹: ۱۸ / ۷۲) خصوصاً بخش‌های مغفول اسلام (سیاست، فلسفه، عرفان، سیره بزرگان دین) باشد؛

دوم: فرستنده پیام؛ که شامل جمهوری اسلامی و کارگزاران رسمی و غیر رسمی آن است؛

سوم: مخاطبان پیام؛ یعنی متفکران جهان اسلام، مستضعفان و همه ملت‌های مظلوم.

ما می‌خواهیم یک الگویی از اسلام در عالم ـ و لو یک الگوی ناقصی باشد ـ نشان بدهیم که همه عقلای عالم غیر از آنهایی که جنایتکارانِ بالذات هستند، همه ملت‌های مظلوم بفهمند که اسلام چی آورده و می‌خواهد چه بکند در دنیا. (همان: ۱۸ / ۱۵۷)

امام، تفاوت اساسی اسلام آمریکایی با اسلام واقعی را همان مردم محوری می‌داند. (همان: ۱۷ / ۵۳۴)

محور صدور انقلاب، هم دولت‌ها و هم ملت‌ها هستند، اما زمینه پذیرش ایده‌ها و آرمان‌های انقلاب در میان توده‌ها و ملت‌ها مساعدتر است. توده مردم نسبت به دولت‌مردان، کمتر آلوده به زخارف دنیا هستند و در نتیجه میزان حق‌پذیری در میان توده‌ها بیشتر است. توده‌ها بیشتر در خط توحید هستند. انقلاب نیز متکی به معنویات و خط توحید است. بنابراین، «باید اساس را مردم و فکر مردم قرار داد و باید به فکر مردم بود، نه دولت‌ها؛ زیرا مردم و توده‌ها با حق موافقند». (همان: ۱۵ / ۳۰۷) از این روی، اساس کار جمهوری اسلامی باید ملت‌ها و توده‌ها باشد؛ چون تأثیرگذاری بر دولت‌ها نیازمند رسانه همه‌جانبه بین‌المللی، ثروت و سرمایه‌گذاری، نیرو و تسلیحات نظامی قوی است که رسانه، ثروت و تسلیحات نظامی جمهوری اسلامی نسبت به سلطه‌گران عالم به‌مثابه فقدان آنها است. بنابراین محور صدور انقلاب و بیداری اسلامی، باید مردم و توده‌های ستمدیده باشد.

چهارم: ابزار ارسال پیام؛ یعنی انتشار کتاب‌های علمی و دقیق گروهی، (همان: ۱۸ / ۷۲) مبلغان عالم و اخلاقمند، (همان) نهادهای مذهبی مهذب، (همان: ۷۳) دعوت از متفکران جهان اسلام، (همان: ۹ / ۲۳۹) رسانه‌ها و از میان همه رسانه‌ها، تلویزیون به‌دلیل سمعی و بصری بودن (همان: ۴۵۶) و تعلیم و تعلم زبان خارجی توسط فضلای حوزه تا بتوانند در خارج تبلیغ کنند. «ما همه زبان‌ها را برای تبلیغ اسلام بدانیم عبادتی بزرگ است». (همان: ۱۸ / ۷۳)

دو. دیپلماسی قوی فعال

کلمه دیپلماسی، مترادف سیاست خارجی است و دو جنبه تدوین و اجرای سیاست خارجی یک کشور یا رویکرد و کارگزاران آن را شامل می‌گردد. (کاظمی، ۱۳۶۵: ۹) مهم‌ترین رمز دیپلماسی فعال در قدرت چانه‌زنی و تحقق خواسته‌ها و اثبات حقانیت خواسته‌های یک کشور است. (همان: ۱۳) سیاست خارجی یک کشور اساساً متوجه توسعه و تقویت روابط با کشورهای دوست، خنثی کردن نیروهای متخاصم با منافع خودی و یافتن کشورهای دوست از طریق مذاکرات سیاسی و متحدان و همسویان در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است. (همان: ۴۲) ترکیب دیپلماسی با پروپاگاندا از یک سو و استراتژی صدور انقلاب از سوی دیگر، آن را غامض می‌کند و به تلاش‌های پیچیده‌ای نیاز پیدا می‌کند تا بتواند ابهام دخالت در امور داخلی کشورها و ایجاد انقلاب برای سقوط نظام‌های سیاسی موجود را از بین ببرد. ارتباط مقتدرانه، منطقی و مبتنی بر عقلانیت با کشورهای دنیا می‌تواند گام اساسی در تفاهم و صدور انقلاب باشد.

دیپلماسی فعال می‌تواند از یک سو مسائل ایران، اسلام و گرفتاری‌های ایران با کشورهای شرق و غرب

را به دنیا برساند و از سوی دیگر روابط حسنه با کشورها ایجاد کند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۹ / ۴۱۴) این عملکرد تناقض‌نما، نیازمند یک دیپلماسی قوی، فعال، کارآمد، عالمانه و اخلاقمند است. مهم‌ترین مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در اصل ۱۵۲ قانون اساسی عبارتند از:

> نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی، دفاع از حقوق همه مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیر محارب. (ملک افضلی، ۱۳۹۱: ۶۹)

از آنجا که سیاست خارجی جمهوری اسلامی با دو رویکرد مواجه است، یعنی رویکرد نظام دیپلماتیک حاکم بر روابط کشورها و رویکرد صدور انقلاب به عنوان یک گفتمان برتر به ملت‌های دیگر، باید ماهیت تدوین و کارگزاران آن نیز تغییر کند.

بیداری ملت‌ها

صدور انقلاب با راهبردهای فوق، باعث بیداری ملت‌ها و روی‌آوری آنها به آرمان‌های انقلاب اسلامی خواهد شد. موفقیت جمهوری اسلامی در حل مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جلب رضایت عمومی جامعه در عرصه داخلی و پیروزی بر چالش‌ها در عرصه بین‌المللی، قیام همگانی را درمیان ملت‌ها تحریک و تحریض می‌کند. «وقتی دیدند که ایران قیام کرد و پیش برد، و لو کشته داد اما پیش برد، دیگران هم همین فکر در مغزشان پیدا می‌شود. ملت‌های دیگر هم همین معنا را می‌خواهند». (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۱ / ۳۳۶) تجربه تحقق ایده‌های انقلاب اسلامی، پرده از سکوت تاریخی ملت‌ها بر می‌دارد و سایه استبداد را می‌شکند و افسانه ذهنی تاریخی «نمی‌شود» را به تفکر رئالیستی «می‌شود» مبدل می‌سازد.

> اول قدم هر مبارزه‌ای ارزیابی این است که در این مبارزه می‌شود یا نمی‌شود، و شما ثابت کردید که نه «می‌شود». می‌شود با امریکا هم طرف شد. (همان: ۳۳۷)

بیداری واقعی ملت همین تبدل و تحول روحی، روانی و انسان‌شناختی است که مقدم بر تحولات جامعه‌شناختی و تاریخی است.

آفت‌ها

این مقاله جمهوری اسلامی را نقطه مرکزی انتقال تجارب انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی به کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در جهت بیداری اسلامی می‌داند و در آن، سه راهبرد صدور انقلاب، تحول انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و ارتباطی مورد توجه قرار گرفتند. آفت‌زدگی این سه، پاشنه آشیل صدور انقلاب و افول بیداری اسلامی و کاهش قدرت هم افزایی منطقه‌ای و بین‌المللی است.

۱. در حوزه ارتباطی

بد معرفی کردن اسلام، از موانع جدی صدور انقلاب و بیداری اسلامی است. یک چهره غبارآلود و هراس‌انگیز از انقلاب، جمهوری اسلامی و اسلام توسط مراکز علمی حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، دستگاه دیپلماسی و رسانه‌های جمعی، باعث تنفر و انزجار ملت‌ها خواهد گردید و اگر نظام دیپلماسی فعال، سپهر رسانه‌ای و فعالیت مراکز علمی و مذهبی جهان غرب به سستی و ناکارآمدی عناصر داخلی افزوده شود، مظلومیت انقلاب و جمهوری اسلامی آشکارتر می‌گردد.

۲. در حوزه انسان‌شناختی

هرگونه عملکردی که چهره اسلام را مقلوب (چهره متحجرانه یا چهره‌ای منطبق با اصول آمریکایی) ارائه دهد که هر دو مصداقی از اسلام آمریکایی هستند (بیانات رهبری ۱۳۸۲/۲/۲۹) و یا باعث دوری مردم و جونان از اسلام و ظهور مکتب‌ها و آئین‌های جدید (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴ / ۲۳۸ ـ ۲۳۷) گردد، مانع اساسی در تحول انسان‌شناختی، صدور انقلاب و بیداری اسلامی است.

احساس پیروزی و اختلاف بر سر تقسیم غنایم و فراموشی اهداف نهضت اسلامی، (همان: ۶ / ۳۶۳ ـ ۳۶۱) حاکمیت خواسته‌های شخصی، گروهی و حزبی به جای مقصد اصلی نهضت یعنی خداگرایی و قیام برای نفس و هواهای نفسانی به جای قیام برای خدا، (همان: ۸ / ۱۹۸ ـ ۱۹۷) از بین رفتن امید و اعتماد به نظام و یأس از بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و بین‌المللی (همان: ۱۰ / ۳۵۱) چه ناشی از تبلیغات مسموم رسانه‌ها و چه ناشی از برخی واقعیت‌ها، رشد روحیه قدرت قلبی و ثروت‌اندوزی و برتری‌خواهی (همان: ۴ / ۸۹ ـ ۸۸) و از سوی دیگر، تبلیغات اسلام هراسی، تعمیم تجربه انگیزسیون در غرب دوره کلیسا به اسلام و ایجاد تهدیدات مختلف از سوی غرب می‌تواند مانعی در راه گرایش به اسلام باشد.

۳. در حوزه جامعه‌شناختی

مهم‌ترین آفت در حوزه جامعه‌شناختی زیر سؤال رفتن مشروعیت (مقبولیت) و کارآمدی جمهوری اسلامی به عنوان یک نقطه مرکزی و امید برای ملت‌های به پاخواسته است. ارتقای مشروعیت و کارآمدی از چالش‌های مهم جمهوری اسلامی است.

مهم‌ترین عواملی که می‌توانند در این عرصه تأثیرگذار باشند عبارتند از: یکم، اشتباهات تاریخی جبران‌ناپذیر نخبگان سیاسی و فکری؛ (همان: ۴ / ۳۳۰) دوم، غفلت از مسائل اصلی کشور و پرداختن به مسائل فرعی؛ (همان: ۸ / ۱۶۸) سوم، استبداد و خودکامگی (همان: ۱۷ / ۳۹۳) تصور خودکامگی چه ناشی از عملکرد بعضی باشد و یا اتهام استبداد دینی از سوی دیگران باشد؛ چهارم، کنار گذاشتن صاحبان اصلی

انقلاب و جانشینی وارثان رژیم گذشته و وابستگان فکری و نااهلان و نامحرمان؛ (همان: ۱۹ / ۶۷ ـ ۶۶) پنجم، اختلاف و تفرقه. اختلاف بین قوا و صفوف مردم، حوزه و دانشگاه، اقوام و اقلیت‌های مذهبی، شیعه و سنی، جهان اسلام و دیگران از طریق اسلام هراسی و طالبانیسم می‌تواند چهره گشاید. اگر وحدت کلمه و اتحاد اسلامی به عنوان هدف و وسیله صدور انقلاب (حشمت‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۷ ـ ۴۶) و بیداری اسلامی باشد، اختلاف، ضد صدور انقلاب و بیداری اسلامی است.

با جمع‌بندی کلمات امام، چهار سطح واگرایی بین مردم با مردم، بین مردم و علما، بین دولت و مردم، بین دولت‌های اسلامی، از آثار ایشان قابل تشخیص است. امام از اختلاف دولت‌های اسلامی احساس نگرانی می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳ / ۹۴) قرآن کریم نیز تنازع را فشل کننده و انحطاط‌آور می‌شمارد. (آل عمران / ۱۰۲) اگر اختلاف، دامنه وسیع فرهنگی، سیاسی و قومی به خود گیرد و منجر به درگیری‌های داخلی گردد، باعث نارضایتی عمومی شده و نارضایتی یا تعارض و آشوب ایجاد می‌کند یا مردم را به سستی می‌کشاند و در هر دو حالت، کارآمدی نظام را زیر سؤال می‌برد و زمینه دخالت بیگانه را فراهم می‌کند.

> این طور نباشد که در خارج بگویند این یک کشوری است که نمی‌تواند خودش درست کند ... در دنیا منعکس بشود یک ملتی هستند که قیم لازم دارند ... این را مشروع کند در خارج. و بعد به واسطه مشروعیت این، وارد بشوند در ایران. (همان: ۱۴ / ۱۷۴)

آیت‌الله خامنه‌ای یکی خطرات اصلی بیداری اسلامی را اختلاف کلمه بین مسلمین، طوایف و مذاهب اسلام و بین قومیت‌های مسلمان می‌شمارد. (بیانات ۱۵ / ۳ / ۱۳۷۰) رابطه مستقیم بین وحدت و بیداری اسلام وجود دارد. عملکرد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی می‌تواند با جلب رضایت عمومی داخلی و ایجاد اعتماد منطقه‌ای و بین‌المللی خنثی کننده تبلیغ اسلام‌هراسی و تبلیغ ناکار آمدی جمهوری اسلامی باشد. حضرت امیرﷺ با تأکید بر رضایت عموم مردم، می‌فرماید: رضایت عمومی، نارضایتی خواص را از بین می‌برد. (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۱۹) ابن خلدون از این مسئله با عنوان عصبیت و همبستگی اجتماعی یاد می‌کند. (ابن خلدون: ۱ / ۳۱۹) اختلاف، منشأ بیگانگی اجتماعی، به هم ریختگی اجتماع نوین و پیوندها و اطاعت عمومی از اراده همگانی و در نتیجه فائق آمدن نامرادی‌ها است. هستی‌یابی جامعه‌شناختی ملل مسلمان و مستضعف منوط به خودیابی تاریخی، انسانی و مذهبی است. گسیختگی اجتماعی به هر دلیل باشد، باعث پاره پاره شدن و از دست دادن استعدادها است؛ نه تنها استعداد افراد بلکه جامعه.

فروپاشیدگی، محصول از خود بیگانگی است. از این روی، «نوع بشر باید بر پایه خرد، آینده‌ای باز سازد که در آن، هر آنچه که از اصل خویش دور مانده باشد، روزگار وصل خویش را بازیابد، چندان که افراد دوباره بتوانند کلیت شان را بازیابند». (کوزر، همان: ۱۱۲) عبارت کوزر بسیار نزدیک به برداشت مقاله از صدور انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی است.

نمودار رابطه عناصر صدور انقلاب و آفت‌های آن

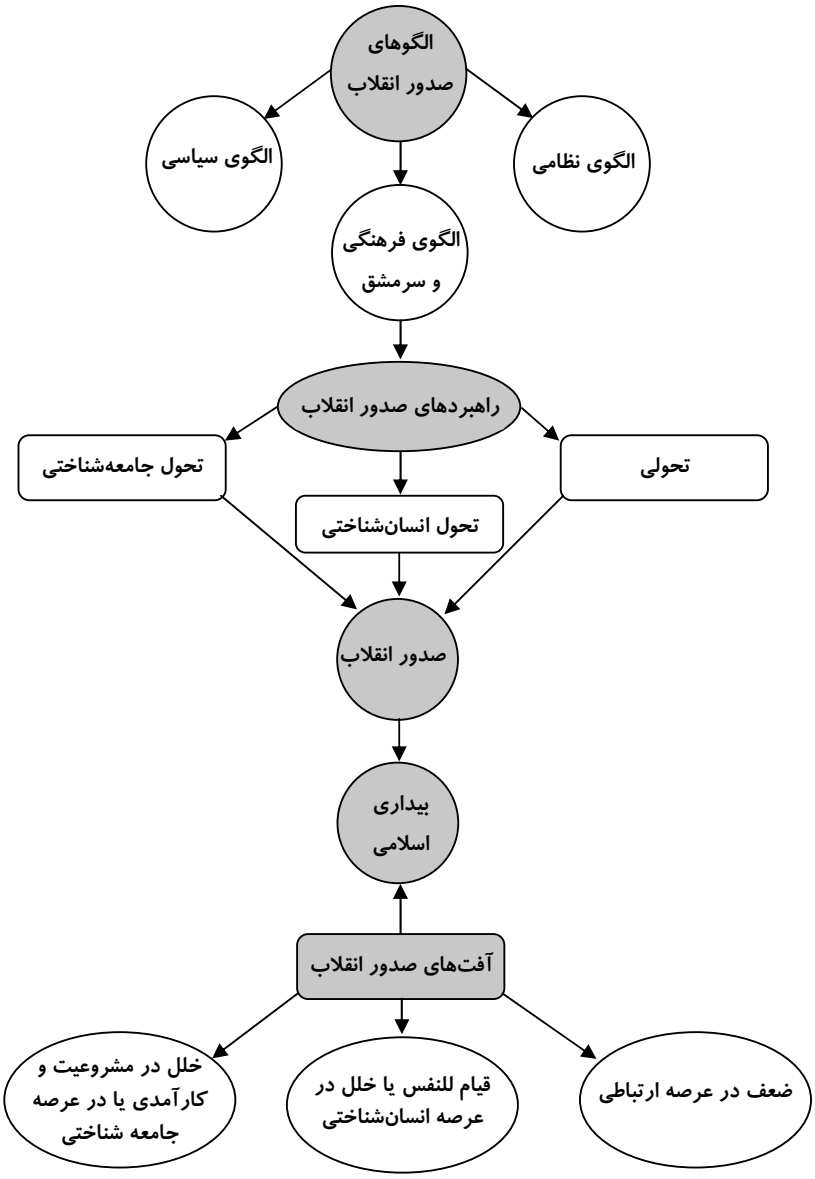

نتیجه

مفهوم صدور انقلاب بازتاب پویایی نظام سیاسی ایران در میان کشورهای اسلامی و نظام بین‌المللی است. سه قرائت از مفهوم صدور انقلاب ارائه شد؛ یکم، الگوی قهرآمیز نظامی که تصور بر این است که منظور از صدور انقلاب، دخالت نظامی حتی در صورت نیاز، حمله نظامی به کشورهای همسایه و کشورهایی که زمینه حمله نظامی در آنها فراهم است. این نگاه در عرصه خارجی یک پروپاگاندای همه جانبه علیه جمهوری اسلامی به عنوان یک کشور جنگ‌افروز و کشورگشا به نمایش گذاشت. شاید بخشی از عکس‌العمل‌های نظام بین‌المللی به مسئله هسته‌ای ایران ناشی از تأثیر درست یا غلط این برداشت باشد.

دوم، الگوی واقع‌گرایی محض که معتقد است نباید هیچ اقدام و اراده‌ای در راستای صدور انقلاب داشت، بلکه تمام انرژی کشور را باید صرف بهبود وضعیت داخلی ایران به کار برد. بر مبنای این تحلیل، انقلاب یک پدیده درون‌مرزی در داخل مرزهای جغرافیای سیاسی است و نباید باعث آزار دیگران باشد. حال اگر مردم سایر کشورها، خود با جذب خوبی‌های کشور ما قیام کردند، اشکالی ندارد. حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و اعمال این گونه‌ای به منزله دخالت در امور داخلی دیگران است.

سوم، الگوی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی که به ارائه یک دولت سرمشق و الگو به جهان اسلام و جهان مستضعفان و همزمان، تبلیغ و آگاه‌سازی توده‌ها و دولت‌ها به آرمان‌های انقلاب اسلامی تأکید می‌کند.

دیدگاه امام خمینی با رویکرد سوم در این مقاله بررسی گردید و برای تحقق آن به سه راهبرد تحت عنوان تحول ارتباطی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی تأکید گردید. از نظر دیدگاه سوم، اصالت با حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی است و مسئله صدور در درجه دوم مطرح می‌گردد. لذا نباید ایده صدور باعث تضعیف یا تهدید برای جمهوری اسلامی تلقی شود. ایده امام تأکید بر معنویت و توحید است. جمهوری اسلامی برای انتشار این ایده از یک سو، نیازمند یک دیپلماسی فعال در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی با کشورها، ارتباط با علما و دانشمندان جهان و توده‌های مردم و از سوی دیگر، رسانه قوی و دارای محتوای منطقی، عقلانی و معنوی است تا بتواند ضمن کاهش تنش‌های (سیاسی، اقتصادی و نظامی)، افکار عمومی جهان اسلام و مستضعفان را با خود همراه سازد و به تعبیر امام، تحول انسانی و روحی در آنها ایجاد و زمینه تحولات اجتماعی و بیداری و خیزش‌های اسلامی را فراهم سازد.

این مقاله مهم‌ترین آفت‌های صدور انقلاب و بیداری اسلامی را در سه حوزه تحولی مذکور جستجو کرد. به عنوان مثال، اختلاف را باعث یأس و ناامیدی و منشأ آن را دنیاخواهی و غفلت دانست. اختلاف، منشأ بیگانگی اجتماعی و زیر سؤال بردن وحدت اجتماعی و در نتیجه فائق آمدن نامرادی‌ها است. هستی‌یابی جامعه‌شناختی ملل مسلمان و مستضعف منوط به خودیابی تاریخی است. گسیختگی اجتماعی در جامعه جدید به هر دلیل باشد، باعث پاره پاره شدن و از دست دادن استعدادها است. فروپاشیدگی محصول ازخودبیگانگی است، از این روی بازجویی اصل خویش باعث بازیابی کلیت جامعه اسلامی است.

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*.

۲. ابن‌خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۷۵، ***مقدمه ابن‌خلدون***، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۲، ***آداب الصلوة***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

٤. ـــــــــــ، ۱۳۷۳، ***شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)***، تهران، مؤسسه تنظیم ونشر آثار امام خمینی.

۵. ـــــــــــ، ۱۳۷۹، ***صحیفه امام***، مجموعه‌ای ۲۲ جلدی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

٦. ـــــــــــ، ۱۳۸۱ الف، ***تفسیر سوره حمد***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۷. ـــــــــــ، ۱۳۸۱ ب، ***ولایت فقیه، حکومت اسلامی***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۸. ـــــــــــ، ۱۳۸۱ ج، ***تقریرات فلسفه***، سه جلدی، مقرر عبدالغنی اردبیلی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۹. امیدوار، احمد و حسین یکتا، ۱۳۷۹، ***امام خمینی و انقلاب اسلامی، روایتی جهانی***، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.

۱۰. اورعی، غلامرضا، ۱۳٦۹، ***اندیشه امام خمینی درباره تغییر جامعه***، تهران، مؤسسه چاپ سوره.

۱۱. ایزدی، مصطفی (به‌کوشش ایشان)، ۱۳٦۱، ***یادنامه شهید محمد منتظری (مجموعه گفتارها)***، تهران، انتشارات و تبلیغات فرهنگ انقلاب اسلامی.

۱۲. بازرگان، مهدی، ۱۳٦۳، ***انقلاب ایران در دو حرکت***، تهران، نهضت آزادی.

۱۳. جعفری، محمدتقی، ۱۳۸٦، ***حکمت اصول سیاسی اسلام***، تهران، نشر آستان قدس رضوی.

۱٤. جمشیدی، محمد حسین، ۱۳۸۸، ***اندیشه سیاسی امام خمینی***، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

۱۵. حشمت‌زاده، باقر، ۱۳۸٦، ***تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی***، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱٦. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۰/۳/۱۵، بیانات در دیدار گروهی از میهمانان خارجی دومین سالگرد رحلت امام خمینی.

۱۷. ـــــــــــ، ۱۳۸۲/۲/۲۹، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت سالروز هفدهم ربیع الاول.

۱۸. خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۸۱، «انقلاب اسلامی و بازتاب آن در رویکرد نظری»، ***فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی***، شماره یک، بهار ۸۱.

۱۹. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، ***دایرةالمعارف علوم اجتماعی***، تهران، کیهان.

۲۰. علم‌الهدی، جمیله، ۱۳۸۱، ***فلسفه تربیتی نهضت امام خمینی، نقدی بر سوبژکتیویسم و دوآلیسم***، تهران، مؤسسه تنظیم ونشر آثار امام خمینی، نشر عروج.

۲۱. عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸٦، ***آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی***، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۲. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۷۷، ***رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی***، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.

۲۳. ***قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران***، ۱۳۸۸، تدوین جهانگیر منصور، تهران، نشر دوران.

۲٤. کاظمی، علی‌اصغر، ۱۳٦۵، ***دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌المللی***، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته وازرت امور خارجه.

۲۵. کوزر، لوئیس، ۱۳٦۹، ***زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی***، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

۲٦. گلدمن، لوسین، ۱۳۷۵، ***فلسفه روشنگری ـ بورژوازی مسیحی و روشنگری***، ترجمه و پژوهش شیوا کاویانی، تهران، انتشارات فکر روز.

۲۷. محمدی، منوچهر، ۱۳۸٦، ***بازتاب جهانی انقلاب اسلامی***، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۸. ـــــــــــ، ۱۳۸۷، ***انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها***، قم، دفتر نشر معارف.

۲۹. ملک افضلی اردکانی، محسن، ۱۳۹۱، ***مختصر حقوق اساسی، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران***، قم، دفتر نشر معارف.

۳۰. نجفی، موسی، ۱۳۸۷، ***انقلاب فرامدن و تمدن اسلامی (موج چهارم بیداری اسلامی)***، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.